

مدیریت زمان در گویش خاوران

مهرزاد منصوری (عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز)

چکیده: بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی می‌تواند بسیاری از ویژگی‌های هویتی اقوام ایرانی را نشان دهد. دستاورد چنین پژوهش‌هایی می‌تواند، ضمن تبیین استعدادهای مردمی که در کشور زندگی می‌کنند، راهنمای صدیقی در خدمت مهندسی فرهنگی به حساب آید. این پژوهش، که با دقت نظر در بخش کوچکی از واژه‌های گویش خاوران صورت گرفته است، نشان می‌دهد که گویشوران این گویش تا چه اندازه به تقسیم‌بندی زمان و انتخاب رمزگان مناسب برای آن اهمیت قائل شده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که تقریباً به تعداد ساعات شبانه‌روز تقسیمات زمان در این گویش صورت گرفته است، ولی این تقسیمات دقیقاً با ساعت رسمی برابری نمی‌کند. یکی به این دلیل که زمان در طول فصول تغییر می‌کند و در این گویش بیشتر مبنای زمان، طول شب و روز و طلوع و غروب آفتاب است و از طرف دیگر، در این گویش، تقسیم زمان با توجه به شروع و پایان کار صورت گرفته است؛ به طوری که در برخی از اوقات هر بیست دقیقه یک واحد زمانی دیگر رمزگذاری شده است. در این گویش یکی از واحدهای پایدار در تقسیم زمان اوقات شرعی است که نقش مهم دین را در عرصه مدیریت زمان در این گویش نشان می‌دهد. همچنین، در این گویش، تقویم سال بر مبنای عید نوروز، با توجه به روزهایی که از اول فروردین گذشته است (در نیمه اول سال) و روزهایی که مانده است (در نیمه دوم سال)، صورت می‌گیرد. در این تقویم برخی از نام‌ها برگرفته از تقویم برج سال شمسی، نظیر عقرب (آبان) و

قوس (آذر) است. طلوع و غروب برخی از ستارگان نیز از جمله مواردی است که در تقویم سالانه مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: گویش‌شناسی، مدیریت زمان، خاوران، تقویم، زبان و فرهنگ

۱. مقدمه

زبان و واژه‌ها نه تنها گویشوران زبان را در انتقال مفاهیم یاری می‌رسانند و امر مهم ارتباط را ممکن می‌سازند، واقعیت‌های هر جامعه را، آن‌گونه که هست، منعکس می‌سازند. زبان از این جهت آینه تمام‌نمای فرهنگ قومی است که مردم آن با آن زبان خاص تکلم می‌کنند. کثرت و قلت واژه‌ها در یک زمینه می‌تواند این مهم را به پژوهشگران زبان منتقل کند که آن پدیده خاص در آن فرهنگ وضعیتی متناسب با تعداد واژه‌ها، که برچسب‌های مفاهیم قابل درک به حساب می‌آیند، دارد. بر این اساس، اگر در موضوعی تراکم و فراوانی واژه‌ها بیشتر شود و تقسیم‌بندی‌ها ریزتر گردد، نشان می‌دهد که در آن فرهنگ التفات خاصی در آن خصوص در آن زبان و، به عبارتی روشن‌تر، در گویشوران آن زبان وجود داشته است. یکی از این مواردی که لازم است مورد توجه زبان‌شناسان قرار گیرد، میزان توزیع واژه‌هاست که برچسب‌های زبانی برای هر تقسیم‌بندی به شمار می‌روند.

میزان و نسبت حضور واژه‌ها، درخصوص تقسیم‌بندی زمان، در گویش‌های ایرانی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌تواند میزان توجه ایرانیان را به مدیریت زمان نشان دهد. تقسیمات ریز در این زبان‌ها و گویش‌ها به گونه‌ای است که بعضاً سندی متقن در انعکاس توجه گویشوران این زبان‌ها به تقسیم‌بندی‌های ریز و دادن برچسب و ایجاد واژه‌های غنی درخصوص زمان است. یکی از این گویش‌ها، که در این جستار مورد بررسی قرار گرفته است، گویش فارسی خاورانی است. این گویش، که به‌عنوان گونه‌ای از زبان فارسی در استان فارس در شهر خاوران، حد فاصل شهرهای شیراز، سروستان و جهرم، صحبت می‌شود، از تقسیمات ریز و منحصر به فردی برخوردار است؛ به گونه‌ای که تقریباً برای هر یک از تقسیمات ۲۴ گانه شبانه‌روز واژه‌ای ساده یا ترکیبی دارد.

این جستار، با معرفی پیشینه تحقیق در بخش ۲ در خصوص تقسیمات زمان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، به معرفی جایگاه این تحقیق در تحقیق‌های گویش‌شناختی می‌پردازد. در بخش ۳ از این تحقیق تقسیمات زمان در شبانه‌روز و در طول سال در گویش خاوران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش ۴ نهایتاً خلاصه و نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص گویش خاوران چهار پژوهش صورت گرفته است که هر چهار پژوهش توسط نگارنده (۱۳۸۱، ۱۳۸۵ الف، ۱۳۸۵ ب، ۱۳۸۶) انجام شده که سه تا به صورت مقاله و یکی به صورت سخنرانی ارائه شده است. در خصوص مدیریت زمان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز، تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، هیچ‌گونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ با وجود این، در بخش واژه‌ها در برخی از پایان‌نامه‌ها به این خصوص اشاره شده است، ولی این موارد در جمع واژه‌ها، بدون هیچ‌گونه توجه و برجستگی خاص و صرفاً به عنوان بخشی از واژه‌ها، ارائه شده است.

یاحقی (۱۳۸۱) در بخشی از مقاله خود به معرفی ۲۳ اصطلاح و ترکیب در خصوص زمان در گویش فردوس اشاره کرده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: وادی سستار (هنگام طلوع ستاره پروین)، شبق دم (صبح صادق)، روز وراومد (طلوع آفتاب)، نیم‌باره (حدود ده و نیم صبح). پورداد (۱۳۸۱) نیز در بخشی از واژه‌ها در مقاله خود ماه‌های گویش تاتی را به صورت چمن‌آرا، گل‌پرور، جان‌پرور، گرماخیز، آتش‌بیز، ... به ترتیب بر اساس ماه‌های سال هجری شمسی (از فروردین) معرفی کرده است که به نظر می‌رسد این واژه‌ها صفت برای ماه‌های سال باشد تا نام آنها.

۳. تقسیمات زمان

تقسیمات مربوط به زمان را در گویش خاوران می‌توان به دو دسته خرد و کلان تقسیم کرد. منظور از خرد تقسیمات شبانه‌روز و در سطح کلان در این گویش سال به تقسیمات ریزتری تقسیم می‌شود.

۱.۳. اوقات شبانه‌روز

یکی از ویژگی‌های این گویش تقسیم‌بندی ریز آن در خصوص اوقات شبانه‌روز است که تقریباً با تقسیم‌بندی بیست و چهار ساعت شبانه‌روز برابری می‌کند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که قبل از اختراع ساعت و یا رونق آن گویشوران این گویش، در جهت توسعه مدیریت زمان، با استفاده از نشانه‌های طبیعی توانسته‌اند زمان را با تقسیمات ریزی نامگذاری کنند. این تقسیم‌بندی را می‌توان در دو بخش روز و شب نشان داد.

۱.۱.۳. تقسیمات روز

در این گویش روز به دو بخش کلی به صورت «گهر (gohr)» با عنوان «گهر صبح» و «گهر عصر» تقسیم می‌شود. هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها به تقسیمات ریزتری تقسیم می‌شود. در این گویش گهر صبح با اذان صبح، که یادآور زمان انجام عبادت و راز و نیاز با پروردگار است، که به صورت «بنگ صبح» (bong-e sobh) تلفظ می‌شود، آغاز می‌گردد. از این زمان تا زمانی که امروزه زمان شروع کار در ادارات است، پنج تقسیم دیگر به کار می‌رود. تراکم نسبی تقسیمات زمان در این گویش، در چنین ساعاتی از صبح، نشان از بذل توجه این مردم به آغاز روز و سحرخیزی آنان دارد که هنوز، علی‌رغم ماشینی شدن زندگی، مردم این شهر به صفت سحرخیز بودن شهرت دارند. این ترکیبات عبارت‌اند از: «بعد از بُنگ صبح» که به اندکی بعد از اذان صبح و به اندازه‌ای که می‌توان فریضه صبح را به‌جا آورد اشاره دارد؛ «تاریک و روشن (tarik-o-rušæn)» که به زمانی که هنوز هوا کاملاً روشن نشده و حالتی بین تاریکی و روشنی است اشاره دارد. تقسیم بعدی به اندک‌زمانی قبل از طلوع آفتاب، که به صورت «قبل از تیغ آفتو» تلفظ می‌شود، اشاره دارد.

اصطلاح «بعد از تیغ آفتو» نیز یکی دیگر از تقسیمات است. تقسیم‌بندی بعدی به زمانی که گوسفندان را آماده چرا می‌کنند اختصاص دارد و به صورت وقت «حیوو گله کردن» (heyvu gæle kerdæn) تلفظ می‌گردد. تقسیمات فوق را، به نسبت روشنایی هوا، می‌توان به صورت جدول (۱) نشان داد.

جدول ۱. تقسیم زمان از اذان صبح تا حدود ساعت هفت

بُنگ صبح	بعد از بُنگ صبح	تاریک و روشن	قبل از تیغ آفتو	تیغ آفتو	بعد از تیغ آفتو	حیوو گله کردن
bong-e sobh	bæd æ bong-e sobh	tarik-o- rušæn	qæbl æ tiγ-e ?aftow	tiγ-e ?aftow	bæd æ tiγ-e ?aftow	heyvu gæle kerdæn
۵	۵/۲۰	۵/۴۰	۶	۶/۲۰	۶/۴۰	۷

گروه دیگر از واژه‌های روز، که تقسیمات ریز زمان را در این گویش نشان می‌دهد، واژه‌هایی هستند که در طول روشنایی کامل روز است. این تقسیمات با اصطلاح «ناشتا بچه کتویی» (naštøy bæče kotowi)، که به زمانی که بچه‌ها در گذشته در مکتب‌خانه صبحانه مصرف می‌کرده‌اند و به حدود ساعت هشت و نیم مربوط می‌شود، آغاز می‌گردد. تقسیم بعدی «از روز بالا اومده» (?æ ruz bala ?umæde) است که به معنی زمانی است که خورشید به بالای آسمان رسیده و برابر حدود ساعت ده صبح است. تقسیم بعدی، که به حدود ساعت یازده صبح برمی‌گردد، «قبل از ظهر» است. تقسیم بعدی «ظهر» است. تقسیم بعدی «بعد از ظهر» است که به ساعت یک و نیم تا دو بعد از ظهر مربوط می‌شود. تقسیمات فوق را می‌توان به صورت جدول (۲) نشان داد.

جدول ۲. تقسیم زمان در گُهر (نوبت) صبح

ناشتا بچه کتویی	از روز بالا اومده	قبل از ظهر	ظهر	بعد از ظهر
naštøy bæče kotowi	?æ ruz bala ?umæde	qæbl ?æ zohr	zohr	bæd æ zohr
۸/۳۰ صبح	۱۰ صبح	۱۱ صبح	۱۲ ظهر	۱ بعد از ظهر

گروه سوم از تقسیمات زمان در روز را در این گویش، می‌توان به گروه‌های واژه‌هایی که به وقت شب نزدیک می‌شود مربوط دانست. در این گویش این اوقاتی فرض می‌شود که افراد خود را برای شب آماده می‌کنند. عملاً کار روزانه در این زمان پایان می‌پذیرد و باید افراد خود را برای فردایی دیگر آماده کنند. نگاه این مردم به این اوقات زمان شروع کار جدید نیست. اصطلاح «دشمن صبح به از دوست پسین» ناشی از این باور در این

گویش است. این گروه از واژه‌ها با اصطلاح «پسین» که به حدود ساعت چهار و نیم بعدازظهر مربوط می‌شود، آغاز می‌گردد و به واژه «گو گله ده» (gow gæle deh)، که اشاره به زمانی دارد که در گذشته گاو و گله به روستا باز می‌گشته‌اند، ختم می‌شود. تقسیم دوم در این گروه به اصطلاح «دیگ تش گذاشتن» مربوط می‌شود که به زمانی حدود پنج عصر که زمان تهیه شام است، اشاره می‌کند. در گذشته نزد گویشوران این گویش شام مهم‌ترین وعده غذایی به حساب می‌آمده است و سعی می‌شده است شب غذای گرم میل شود تا انرژی لازم برای یک روز کاری دیگر ذخیره شود. غذای ظهر عموماً در گذشته در این گویش غذایی ساده و زود هضم بوده است. تقسیم دیگر «آفتو غروب» یا «آفتو کوه» نام داشته است که به زمانی که خورشید برای فرونشستن آماده می‌شود و به جز در اندکی از مکان‌ها، سایه همه‌جا را فرا گرفته است اشاره دارد. تقسیم بعدی زمان غروب آفتاب است. آخرین تقسیم در این تقویم زمان اذان مغرب است. در این گویش پایه ثابت تقسیمات زمان مانند سایر گویش‌های ایرانی اوقات شرعی است. تقسیمات فوق را، می‌توان با توجه به وضعیت سایه، به صورت جدول (۳) نشان داد.

جدول ۳. تقسیم زمان در نوبت عصر

گو گله ده	مغرب	غروب	آفتو غروب	دیگ تش گذاشتن	پسین	
gow gæle deh	mæγreb	γurub	?aftow γurub	dig tæš gozoštæn	pæsin	آوانگاری
عصر ۶/۴۰	عصر ۶/۲۰	عصر ۶	عصر ۵/۳۰	عصر ۵	عصر ۴	زمان تقریبی

۲.۱.۳. تقسیمات شب

آخرین گروه از واژه‌ها و اصطلاحات، که تقسیمات زمان را نشان می‌دهد، واژه‌های مربوط به مدیریت زمان در شب است. این تقسیم‌بندی از آغاز شب و با اصطلاح «سر شب» آغاز می‌شود و تا «سحر» خاتمه می‌یابد. تقسیم‌بندی زمان در اوقات شب در این گویش، برخلاف انتظار، پرتراکم است. این نشان می‌دهد که گویشوران این گویش شب را صرفاً زمان خواب و استراحت نمی‌دانند، بلکه بر آن زمان مدیریت کرده و آن را به

تقسیمات ریز تقسیم می‌کنند. تقسیم بعدی، بعد از سر شب اصطلاح «سر شام» است که به زمان خوردن شام، حدود ساعت هشت شب، مربوط می‌شود. تقسیم‌بندی بعدی، که برابر با حدود ده و نیم شب است، «کنیز آزادکن» نام دارد. خروس‌ها عموماً دو زمان در شبانه‌روز آواز می‌خوانند یکی در صبح و دیگری این زمان، یعنی «کنیز آزادکن». این اصطلاح مجازاً به معنی زمان آزاد کردن کنیز بعد از یک روز کاری است. این تقسیمات را می‌توان به صورت جدول (۴) نشان داد.

جدول ۴. تقسیم زمان در شب

سحر	بعد از نصف شب	نصف شو	کنیز آزادکن	سر شام	سر شب	
sæhær	bæd æ nesf-e šow	nesf-e šow	kæniz ?azad kon	sær-e šum	sær-e šow	آوانگاری
۴ شب	۱ شب	۱۲ شب	۱۰/۳۰ شب	۸/۳۰ شب	۷ شب	ساعت تقریبی

لازم به یادآوری است که این تقسیم‌بندی شبانه‌روز مخصوص بهار و پاییز است و تقسیم‌بندی تابستان و زمستان کمی متفاوت است. تقسیم‌بندی فوق نشان می‌دهد که تلاش و فعالیت صرفاً به ساعات روز محدود نمی‌شود. دلیل آن نیز این بوده است که برخی از کارها، از جمله آبیاری از قنوات، در تمام ساعات شبانه‌روز انجام می‌گرفته است. برخی از کارها در روز و برخی از کارها، مانند مسافرت به شهرهای اطراف و آوردن هیزم از جنگل، در پاسی از شب مانده آغاز می‌شده است و حتی برخی، چون آوردن نمک از چشمه که چندین فرسنگ با این شهر فاصله دارد، درست نیمه‌شب آغاز می‌شده است.

۲.۳. ایام سال

در این گویش ایام سال نیز بر اساس تقویمی خاص نامگذاری شده است. در این تقویم شروع سال آغاز سال شمسی و آغاز فصل بهار است. همچنان‌که خواهیم دید حدود شش ماه از سال بر اساس روزشمار از عید نوروز شروع می‌شود و در نیمه دوم سال نیز روزهای باقی‌مانده تا عید شمرده می‌شود. به این صورت مبنای شمارش عید

نوروز است و هرچه به عید نزدیک‌تر باشد ایام دقیق‌تر نامگذاری شده است. این تقسیمات به ترتیب از عید نوروز عبارت‌اند از:

عید: ایام عید نوروز

روز عید: روز اول فروردین

سیزه: روز سیزده فروردین (به آن سیزده سال هم گفته می‌شود)

بعد عید: ایام بعد از سیزده فروردین تقریباً تا آخر فروردین

شصم: شصت روز بعد از عید (آخر اردیبهشت که آغاز شروع درو جو است)

هفتادم: هفتاد روز بعد از عید (۱۰ خرداد که زمان شروع درو گندم است)

نودم: نود روز بعد از عید

تقسیمات زمان در فصل بهار را می‌توان به صورت جدول (۵) نشان داد.

جدول ۵. تقویم سه ماه اول سال

خرداد		اردیبهشت		عید (فروردین)	
نودم	هفتادم	شصم	بعد عید	سیزه	روز عید

چله تابسون: اول ماه تیر (لفظ تابستان بعد از چله آورده می‌شود تا با چله زمستان اشتباه نشود)

صد و بیسم: آخر تیر

ستاره‌ستا: اوایل مرداد که در آسمان سه ستاره در یک خط و نزدیک به هم ظاهر می‌شود. خرماپزون: نیمه اول مرداد که گرما به اوج خود می‌رسد و مردم معتقدند که گرما سبب رسیدن خرما می‌شود.

صد و بیست و پنج: نیمه مرداد که ۱۲۵ روز از سال گذشته است. از این زمان به بعد انتظار می‌رود از گرمای هوا کاسته شود.

ستاره‌خنک: نیمه مرداد که با ظاهر شدن ستاره‌ای در آسمان هوا رو به خنک شدن می‌رود.

رنگ‌اندازون: اوایل شهریور که رنگ خرماهای نارس زرد می‌شود.

تقسیمات زمان در فصل تابستان در این گویش را می‌توان به صورت جدول (۶) نشان داد.

جدول ۶. تقویم سه ماه دوم سال

شهریور	مرداد			تیر		
رنگ‌اندازون	ستاره‌خنک	صد و بیست و پنج	خرماپزون	ستاره‌ستا	صد و بیسم	چلهٔ تابسون

میزون: اول مهر که طول روز و شب یکسان است.

عقرب: ماه آبان (عقرب زدن: شروع شدن ماه آبان)^۱

قوس: آذر

تقسیمات زمان در فصل پاییز به صورت جدول (۷) است.

جدول ۷. تقویم سه ماه سوم سال

آذر	آبان	مهر
قوس	عقرب	میزون

چله: آغاز زمستان

چارچار: ده تا هجده بهمن^۲

چل و پنج: چهل و پنج روز مانده به عید نوروز^۳

عرفه: روز قبل از عید نوروز را مانند روز قبل از عید قربان عرفه می‌گویند.

تقسیمات زمان در زمستان را در این گویش می‌توان به صورت جدول (۸) نشان

داد.

(۱) مردم خاوران معتقدند خرماها باید بعد عقرب زدن یا آغاز آبان چیده شوند.

(۲) مردم معتقدند در این زمان کمر زمستان می‌شکند.

(۳) در این زمان درختان بادام، خصوصاً نوعی از بادام کوهی، شکوفه می‌دهد. مردم معتقدند کم‌کم بهار آغاز شده است. به یک شعر استناد می‌کنند که: «چه باراد چه نبارد چل و پنج که شد بهار است».

جدول ۸. تقویم سه ماه چهارم سال

دی	بهمن		اسفند
چله	چارچار	چل و پنج	روز شمار قبل از عید

روزشمار قبل از عید: در این گویش مردم از دو ماه قبل از عید کم‌کم خود را برای عید آماده می‌کنند. اولین نشانه آماده شدن برای عید، که خود خبر از فرارسیدن عید می‌دهد، پهن کردن برنج آبکش شده بر پشت بام‌ها برای تهیه «برنجک» است که در این گویش به آن «پوکک» می‌گویند و چیزی شبیه پفک سنتی است. همچنین تهیه نان شیرین یا یوخه یکی دیگر از کارهایی است که از یک ماه قبل از عید آغاز می‌شود. بو دادن، برنشاندن و تهیه تخمه اقدامات بعدی است که در روزشمار قبل از عید انجام می‌گیرد.

۴. نتیجه‌گیری

این جستار نشان می‌دهد که در گویش خاوران، که یکی از گونه‌های زبان فارسی است، مدیریت زمان از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که تقریباً برای هر یک از ساعات شبانه‌روز به‌طور متوسط یک واژه و اصطلاح وضع کرده‌اند. برخی از این تقسیمات در اوقات پرتراکم به یک واژه برای هر بیست دقیقه می‌رسد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که زبان نگرش گویشوران را نسبت به پدیده‌ای نظیر مدیریت زمان نشان می‌دهد. تقسیمات ریز در خصوص زمان در این گویش نشان می‌دهد که گویشوران این گویش زمان خود را به خوبی مدیریت می‌کرده‌اند. وجود تقسیمات ریز در طول شب نشان می‌دهد که گویشوران شب را وقتی مرده به حساب نیاورده و در طول آن به فعالیت می‌پرداخته‌اند.

مبنای اساسی در تقسیم زمان در این گویش اوقات شرعی و زمان انجام فریضه نماز است که این خود نشان می‌دهد که تا چه اندازه «دین» در مدیریت زمان نیز نقش دارد. اساساً در ساعاتی که زمان شروع فعالیت است و همچنین در زمانی که در پایان فعالیت روزانه است، به دلیل نیاز به دقت بیشتر، تقسیمات زمان پرتراکم‌تر از سایر اوقات است.

در این گویش بر این اساس تقسیمات زمان از الگوی یکنواختی پیروی نمی‌کند و مبنای تقسیم، نیاز به دقت در تقسیم است. درخصوص تقویم سال، در این گویش عید نوروز مبنای تقسیم‌بندی دوگانه «از عید گذشته» و «تا عید مانده» است. بر این اساس سال به دو نیمه تقسیم می‌شود. در نیمه اول روزهایی که از عید گذشته و در نیمه دوم روزهایی که تا عید مانده شمرده می‌شود. این تقسیم‌بندی نیز از الگوی یکنواختی برخوردار نیست. در نیمه اول زمانی که به برداشت محصول مربوط می‌شود از تراکم بیشتر و در نیمه دوم هرچه به عید نزدیک‌تر می‌شود از تراکم بیشتر برخوردار است.

منابع

- پورداد، منصوره، ۱۳۸۱، «گویش تاتی از زبان آذری»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی، به کوشش حسن رضائی باغبیدی، تهران، ص ۸۵-۸۹.
- منصوری، مهرزاد، ۱۳۸۱، «ساختمان واجی گویش خاوران»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۷، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۱۰.
- _____، ۱۳۸۵ الف، «معرفی اجمالی گویش خاوران»، دومین همایش خاورشناسی.
- _____، ۱۳۸۵ ب، «واژه‌های فریبکار در فارسی خاورانی»، مجله پازند، س ۲، ش ۴، ص ۱۹-۳۲.
- _____، ۱۳۸۶، «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به خرما در خاوران فارس»، گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۸۴-۱۹۳.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۱، «برخی از جنبه‌های زبانی و فرهنگی گویش فردوس»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی، به کوشش حسن رضائی باغبیدی، تهران، ص ۶۱۳-۶۳۵.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی